

مدرسه حدیثی امامیه در بغداد

(در عصر حضور)

سید اکبر موسوی تینیانی^{۱۱}

چکیده

مرکز حدیثی بغداد در تاریخ فکر امامیه همواره با اهمیت بوده است. لذا آگاهی از تاریخ حدیث امامیه در بغداد، ما را در تحلیل تاریخ امامیه یاری رسان خواهد بود. در این نوشتار نشان داده شده است که با مهاجرت اصحاب امامیه از کوفه به بغداد و نیز با تلاش اصحاب بغدادی تبار، مدرسه حدیثی امامیه در اواخر سده دوم پای گرفته و تا پایان نیمه اول سده سوم نیز فعال بوده است. مدرسه حدیثی بغداد یکی از تأمین‌کنندگان مهم حدیث برای سایر مناطق امامی‌نشین بوده است و در این مدرسه بسیاری از آثار حدیثی برای نخستین بار تألیف شده و در دوره‌های بعد در تدوین جوامع حدیثی مورد استفاده قرار گرفت. هم‌چنین در این مقاله نشان داده شده که خاندان‌های حدیثی امامیه بغداد در شکوفایی مدرسه حدیثی این شهر نقش‌آفرین بوده‌اند. در پایان به افول مدرسه حدیثی بغداد در اواخر نیمه اول سده سوم بر اثر فشارهای سیاسی خلافت عباسی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: مدرسه بغداد، تاریخ حدیث امامیه، خاندان‌های حدیثی امامیه.

درآمد

حدیث امامیه در طول حیات خود بسان سایر پدیده‌های فکری و فرهنگی، تحولات و تطوراتی داشته است. میراث جریان حدیثی امامیه - که همانند سایر جریان‌های فکری امامی ریشه در مدرسه کوفه داشت - در دوره‌های بعدی از کوفه به سایر جوامع شیعی راه پیدا کرد. یکی از مناطقی که بسیار تحت تأثیر جریان‌های کوفی، به خصوص جریان حدیث‌محور

۱. دانشجوی دکتری رشته شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و عضو هیات علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث.

کوفه قرار داشت، بغداد بود. در اواخر سده دوم هجری، بغداد به عنوان مرکزی مهم و تاریخ ساز برای امامیه شاهد مهاجرت طیف گسترده‌ای از اصحاب امامیه، با اهدافی متفاوت، بود که به شکل گیری تدریجی مرکزی حدیثی در کنار دو مرکز مهم حدیثی در آن دوره، یعنی قم و کوفه انجامید.

در همین زمان، در کنار جریان حدیثی، شاهد رشد و توسعه جریان کلامی امامیه در بغداد - که پیش‌تر در کوفه فعال بود - هستیم. نمایندگان عمده جریان حدیثی، شخصیت‌هایی همچون عبدالرحمن بن حجاج و محمد بن ابی عمیر و همچنین نمایندگان اصلی جریان کلامی همچون هشام بن حکم و پیروانش، اندیشه‌های خود در مدرسه کوفه را به نحو مؤثری در بغداد تداوم بخشیدند. هر چند جریان کلامی بعد از مدت کوتاهی از رفق افتاد، اما جریان حدیثی شکل گرفته در بغداد تا حدود نیم قرن بعد از آن، یعنی حدود سال ۲۵۰ ق، به حیات خود ادامه داد و بعد از آن به افول گرایید.

پس از مدت کوتاهی در اواخر قرن سوم (میان غیبت صغری) بار دیگر کانون حدیثی بغداد شاهد حضور محدثان برجسته‌ای از سراسر مناطق مهم امامی نشین بود که این بار نه تنها به منظور اخذ حدیث، بلکه با هدف نشر و توسعه روشمند احادیثی که قبلاً از کوفه و بغداد فراگرفته بودند، در بغداد گرد آمدند.

این نوشتار در پی آن است که به طور تفصیلی فرآیند این نقل و انتقال حدیث از کوفه به بغداد و پای گیری مرکز حدیثی بغداد و نیز افول مرکز حدیثی را در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام مورد بررسی قرار دهد.

با توجه به این که بغداد برای مدت قابل توجهی به داشتن عالمان برجسته و تولید آثار علمی امامیه شهره بوده است، لذا شناخت و بررسی جریان حدیثی امامیه در آن شهر به منظور تحلیل زوایای پنهان تاریخ امامیه دارای اهمیت فراوانی است. همچنین برای تحلیل عوامل زمینه ساز و بسترشناسی فکری مدرسه پرآوازه کلامی بغداد در اواخر قرن چهارم، با محوریت شیخ مفید، به طور فزاینده‌ای به بازشناسی جریان حدیثی امامیه در بغداد نیازمندیم.

پرسش اساسی این نوشتار - که به تطور جریان حدیثی امامیه در بغداد باز می‌گردد - این است که مدرسه حدیثی امامیه از چه زمانی در بغداد شکل گرفت و از چه جایگاهی در تاریخ فکر امامیه برخوردار بوده است؟ به همین ترتیب، پاسخ به این پرسش‌ها در این نوشتار حایز اهمیت است که آیا بغداد تنها محلی برای نشر و عرضه حدیث امامیه به شمار می‌رفته

یا آن که يك مدرسه مستقل حدیثی محسوب می شده است؟ تعامل مدرسه حدیثی بغداد با سایر مراکز حدیثی امامیه در زمینه مبادلات حدیثی به چه میزان بوده است؟ همچنین حجم محصولات و آثار حدیثی بغدادیان به چه میزان بوده است؟ و در آخر، این که سرانجام این مدرسه حدیثی به کجا انجامید؟

با وجود دیدگاه رایج - که کوفه را به عنوان تنها آبشخور معرفت حدیثی قم و دیگر مناطق امامی نشین می شناسد - به نظر می رسد که مرکز حدیثی بغداد، در کنار کوفه یکی از فعال ترین و ریشه دارترین مراکزی بود که نقش برجسته ای در حفظ، ساماندهی و انتشار حدیث در قالب تألیف آثار حدیثی در تاریخ امامیه ایفا می کرد. مشایخ حدیثی امامیه در بغداد به دلیل موقعیت ممتازشان همواره در کنار محدثان کوفه و قم مطرح بوده اند.^۲ همچنین به دلیل موقعیت بلند سیاسی و فرهنگی بغداد در جهان اسلام، به طور طبیعی ارتباط و تعامل حدیث پژوهان بغدادی با سایر مراکز حدیثی امامیه نیز گسترده بود.

مرکز حدیثی بغداد ضمن پرورش محدثان بزرگ، در عرصه تولید و بازسازی میراث حدیثی نیز فعال بود و در نشر آثار حدیثی امامیه نقش بسزایی داشت. گرچه جریان حدیثی بغداد در این دوره با فراز و فرودهایی همراه بود، اما با توجه به تولید آثاری دست کم در عرصه جامع نگاری، قرب الاسنادنگاری و حدیث شناسی و نیز تعاملات گسترده محدثان این حوزه حدیثی با یکدیگر و با محدثان مدرسه حدیثی قم و کوفه، می توان با اندکی تسامح، شاخصه های مدرسه را بر این حوزه حدیثی امامیه تطبیق داده^۳ و از مدرسه حدیثی بغداد سخن به میان آورد.

پیشینه شناسی

بیشتر پژوهش هایی که در باره مدرسه حدیثی بغداد صورت گرفته، مربوط به بغداد دوم است که بازه زمانی قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم را شامل می شود. در باره حوزه حدیثی بغداد در عصر حضور (از تأسیس بغداد تا آستانه غیبت صغری) تحقیقات کمتری انجام پذیرفته است. در این خصوص می توان به کتاب مهم تاریخ حدیث شیعه، نگاشته دکتر

۲. نجاشی در باره محمد بن مسعود عیاشی می نویسد: «سمع... و جماعة من شیوخ الکوفیین و البغدادیین و القمیین» (رجال النجاشی، ص ۳۵۱).

۳. محمد تقی سبحانی در تعریف مدرسه می نویسد: «مدرسه را به مجموعه ای از متخصصان در یک رشته معین علمی اطلاق می کنیم که در تعامل با یکدیگر و بر محور یک محیط اجتماعی محدود به تولید محصولات نوین علمی دست می زنند» (کلام امامیه: ریشه ها و رویش ها، ص ۹).

مجید معارف اشاره کرد که نویسندگان به طور خلاصه و پراکنده از حوزه حدیثی بغداد سخن به میان آورده است؛ در حالی که انتظار می‌رفت در این اثر تحقیقی مراکز حدیثی امامیه، به ویژه مرکز حدیثی بغداد به تفصیل و با یک نظم منطقی مورد تحلیل بیشتری قرار می‌گرفت. همچنین در کتاب تاریخ حدیث شیعیه، تألیف سید محمد کاظم طباطبایی - که تاریخ حدیث امامیه را در دو مرحله عصر حضور و عصر غیبت مورد بررسی قرار داده - اشاره خاصی به مدرسه حدیثی بغداد در عصر حضور نشده است. در کتاب تاریخ حدیث اسدالله جمشیدی و کتاب تاریخ حدیث سید رضا مؤدب، به طور گذرا در حد دو یا سه صفحه، از مرکز حدیثی بغداد سخن به میان آمده است.

پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مکتب حدیثی بغداد» نگاشته خانم علییه رضاداد در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده است که بیشتر مباحث این پایان نامه به مکتب حدیثی بغداد در قرن چهارم تکیه دارد و نویسندگان تنها در چند صفحه انگشت شمار، به معرفی چند تن از اصحاب مقیم بغداد، مانند هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن و محمد بن عیسی یقطینی بسنده کرده است و مطلب مهمی در باره مدرسه حدیثی بغداد در دوران حضور ارائه نداده است.

همچنین مقاله‌ای با عنوان «تعامل مکتب حدیثی بغداد و ری» در شماره ۴۴ مجله علوم حدیث چاپ رسیده است که نویسندگان این مقاله اصلاً به مدرسه حدیثی بغداد در عصر حضور نپرداخته و تنها به حوزه حدیثی بغداد در قرن چهارم به بعد (بیشتر از نیمه دوم قرن چهارم تا نیمه اول قرن پنجم) توجه نشان داده است.

نوشتار پیش رو می‌کوشد با بررسی و تبیین چگونگی شکل‌گیری مرکز حدیثی بغداد و حضور جریان‌های حدیث‌گرا و نقش‌آفرینی خاندان‌های حدیث‌محور امامی در آن مرکز و همچنین تولید میراث حدیثی در شهر بغداد، نشان دهد که در بغداد (در عصر حضور) مدرسه حدیثی امامیه وجود داشته و از جایگاه بلندی نیز در تاریخ امامیه برخوردار بوده است.

۱. مهاجرت اصحاب محدث کوفی به بغداد

پس از روی کار آمدن عباسیان، منصور دوانقی دومین و یکی از مقتدرترین خلفای عباسی برای تحکیم خلافت نوپای بنی‌عباس دست به اقدامات مهمی زد که ساختن شهر باشکوه بغداد بر روی شهرکی به همین نام در نزدیکی شهر مدائن، پایتخت ساسانیان، از آن

جمله است.^۴ منصور عباسی می‌کوشید تا با دعوت علما و دانشمندان به اعتبار این شهر نوساخته بیافزاید؛^۵ سیاستی که خلفای پس از او نیز به آن اهتمام داشته‌اند. از این رو، خلفا و کارگزاران عباسی در رواج مباحثات علمی و کلامی در بغداد از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند؛ تا جایی که اینان در کاخ‌ها و منازل خویش گفت و گوهای علمی ترتیب می‌دادند.^۶ حتی با سفارش و حمایت مستقیم سردمداران عباسی برخی از آثار حدیثی اهل سنت تدوین گردید.^۷ حمایت‌های فراوان حکمرانان عباسی از نهضت ترجمه متون ملل غیرمسلمان، از جمله آثار یونانی انکارناپذیر است.

در پی شکوفایی علمی - فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی بغداد، گروهی از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام، به تدریج، از کوفه به این شهر نوین مهاجرت کردند. با نگاهی به کتاب *رجال* شیخ طوسی به خوبی درمی‌یابیم که شخصیت‌های قابل توجهی چون عمرو بن جریر بجلی، محمد بن الحجاج اللخمی، محمد بن عبدالملک الانصاری، محمد بن مجیب الصائغ، یحیی بن سعید القرشی و منصور بن عباس - که اصالتی کوفه داشتند - به مرور به بغداد آمده و در آن شهر سکنا گزیدند.^۸ شاید یکی از عواملی که به افول مدرسه کوفه شتاب بخشید و رونق آن محیط علمی را کاهش داد، همین مهاجرت اصحاب از کوفه به بغداد بوده است. به هر روی، در این مهاجرت تقریباً بیشتر جریان‌های فکری کوفه، از جمله دو جریان عمده کلامی و حدیثی حضور داشتند. هشام بن حکم سردسته متکلمان مهاجر کوفی به بغداد به شمار می‌رفت و شاگردان کلامی وی، نظیر علی بن اسماعیل میثمی^۹ و ابوالحسن علی بن منصور کوفی^{۱۰} نیز ظاهراً به همراه وی به آن شهر کوچیدند. همچنین جریان حدیثی کوفه نیز با مهاجرت محدثان برجسته‌ای چون عبدالرحمن بن حجاج و ظریف بن ناصح کوفی - که به تعبیر دارقطنی «فهو شیخ من الکوفیین من شیوخ

۴. درباره پیشینه تاریخی بغداد، رک: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل بغداد، ج ۱۲، ص ۲۹۱ و ۲۹۲.

۵. منصور از ابوحنیفه و حجاج بن اراطه، دو تن از علمای برجسته اهل سنت برای شرکت در مراسم ساخت شهر بغداد دعوت کرد (*تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۲۳۷؛ *تاریخ بغداد*، ج ۱، ص ۹۱).

۶. برای نمونه، رک: به مجالس علمی اندیشمندان مسلمان در حضور هارون، مامون و معتصم عباسی (*طبقات المعتزله*)، ص ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵؛ *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۵۳۴.

۷. *تاریخ الاسلام*، ج ۱۱، ص ۳۲۱ - ۳۲۲.

۸. *رجال الطوسی*، ص ۲۸۰، ۲۵۰، ۲۸۹، ۲۹۵، ۳۲۲ و ۳۷۹.

۹. براساس برخی گزارش‌ها علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم تمار کوفی قبل از آن که در بصره ساکن شود (*رجال النجاشی*)، ص ۲۵۱) مدتی را در بغداد و در زندان هارون عباسی بوده است (*اختیار معرفة الرجال*)، ج ۲، ص ۵۳۸.

۱۰. *رجال النجاشی*، ص ۲۵۰.

الشیعه» بود^{۱۱} - به بغداد انتقال یافت.^{۱۲}

دلایلی مختلفی را می‌توان برای مهاجرت اصحاب کوفی به بغداد برشمرد. برخی از اصحاب به دلیل اشتغال در دستگاه خلافت، ناگزیر رهسپار بغداد شدند. با نگاهی در منابع رجال‌شناسی به خوبی درمی‌یابیم که شمار قابل توجهی از یاران امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام در شهر جدید التاسیس بغداد به مناصب مهمی در دستگاه خلافت نوپای عباسی دست پیدا کرده بودند. قاسم بن عروه وزیر منصور عباسی،^{۱۳} علی بن ابی نصر کوفی وزیر مهدی عباسی،^{۱۴} عبدالله بن سنان کوفی خازن منصور، مهدی، هادی و هارون عباسی،^{۱۵} فضل بن سلیمان بغدادی کاتب منصور و مهدی عباسی،^{۱۶} حسن بن راشد کوفی وزیر مهدی، هادی و هارون عباسی،^{۱۷} عیسی بن روضه حاجب منصور،^{۱۸} علی بن یقطین رئیس دیوان زمام، برید و خاتم مهدی، هادی و هارون،^{۱۹} محمد بن اسماعیل بن بزیع و احمد بن حمزه بن بزیع از وزرای عباسیان^{۲۰} از این دسته‌اند چندان عجیب نمی‌نماید که بعضی از این اصحاب حتی به دستور مستقیم خلیفه عباسی از کوفه عازم بغداد می‌شدند.^{۲۱}

دلیل دیگر مهاجرت، تمایل جدی به دانش‌افزایی و علم‌پراکنی در میان امامیه است. گروهی از اصحاب به دلیل مرکزیت یافتن علمی بغداد و اجتماع اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان در آن جا با انگیزه فعالیت‌های علمی به بغداد عزیمت کردند. در این باره باید به طور عمده به جریان کلامی امامیه اشاره کرد. هشام بن حکم به عنوان شخصیت ممتاز این جریان با راه‌اندازی مجالس مناظره و راهبری آنها حتی در حضور کارگزاران

۱۱. الموترلف والمختلف، ج ۳، ص ۱۴۸۳.

۱۲. رجال النجاشی، ص ۲۰۹ و ۲۳۷.

۱۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۰.

۱۴. رجال الطوسی، ص ۲۶۶.

۱۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۱۶. رجال النجاشی، ص ۳۰۶.

۱۷. رجال البرقی، ص ۲۶.

۱۸. رجال النجاشی، ص ۲۹۴.

۱۹. ذیل تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۰۲.

۲۰. رجال النجاشی، ص ۳۳۱.

۲۱. جعفر بن مازن کاهلی کوفی (م ۲۶۴ ق) از محدثان امامیه توسط مأمون عباسی به بغداد فراخوانده شد و در آن جا اجازه ظاهراً فعالیت علمی به وی داده شد (لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۱). وی نیز شاگردان دیگر مانند حمید بن زیاد نینوایی حدیث آموخت (همان). دانسته نیست مقصود مأمون از این اقدام چه بوده است. بعید نمی‌نماید که وی به قصد تضعیف اهل حدیث به تقویت محدثان دیگر گروه‌های اسلامی دست به این اقدام زده باشد.

عباسی^{۲۲} به روشنی ما را با دغدغه‌های علمی جامعه امامیه آن روز در بغداد آشنا می‌کند. البته برخی از اصحاب ظاهراً به دلیل جاذبه‌های اقتصادی بغداد برای تجارت بدان شهر عزیمت کرده بودند.^{۲۳}

حضور امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام در بغداد در شکل‌گیری و تقویت مدرسه حدیثی امامیه در آن شهر مؤثر بوده است؛ هر چند حضور امام کاظم علیه السلام در بغداد به صورت زندانی بوده و امام جواد علیه السلام هم حضور دائمی در آنجا نداشته و ارتباط شیعیان با آنان به سختی انجام می‌گرفت، ولی همین حضور محدود و ارتباط اندک با امام معصوم در رونق فعالیت‌های حدیثی اصحاب امامیه در بغداد بی‌تأثیر نبوده است. بعدها با حضور امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در سامرا، نزدیکی بغداد، حوزه حدیثی بغداد، چون گذشته، از وجود آن امامان بهره‌مند بوده است.

با حضور اصحاب سرشناس ائمه علیهم السلام در بغداد و برپایی جلسات علمی توسط آنان، این شهر به یکی از پایگاه‌های مهم فکری و اجتماعی امامیه مبدل گردید؛ مثلاً حاصل تلاش‌های علمی هشام بن حکم، متکلم نامور امامی، در بغداد^{۲۴} تربیت اندیشمندانی همچون محمد بن خلیل سكاك بغدادی و یونس بن عبدالرحمن، مولی آل یقطین مقیم بغداد، بوده است.^{۲۵} همچنین شخصیت‌های حدیث‌گرایی مانند محمد بن ابی عمیر بغدادی نزد محدثان مهاجر کوفی همچون عبدالرحمن بن حجاج تلمذ کرده‌اند.^{۲۶} اصحاب امامیه افزون بر مباحث علمی و پرورش شاگردان، مهم‌ترین امورات اجتماعی طائفه امامیه را نیز در بغداد پیگیری نموده و در آنجا برای رفع مشکلات جامعه امامی و چالش‌ها عقیدتی پیش‌رو چاره‌جویی و تصمیم‌گیری می‌کردند. حتی در باره موضوعی اساسی همچون جانشینی امام هشتم علیه السلام، در بغداد به بحث و مذاکره می‌نشستند؛^{۲۷} در حالی که پیش از این، در حدود

۲۲. فهرست الطوسی، ص ۲۵۹.

۲۳. برای نمونه: افرادی مانند عبدالرحمن بن حجاج و محمد بن ابی عمیر از اصحاب ساکن بغداد به بیاع السابری مشهور بودند (رجال الطوسی، ۲۳۶ و ۲۹۹). ظاهراً این دو در آن شهر به خرید و فروش نوعی البسه به نام سابری یا شاپوری اشتغال داشته‌اند.

۲۴. هشام بن حکم در اواخر عمرش، در دهه‌های پایانی سده دوم هجری، در بغداد فعالیت‌های علمی خویش را دنبال می‌کرد (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۳۰ - ۵۳۵).

۲۵. رجال النجاشی، ص ۳۲۸؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۸.

۲۶. رجال النجاشی، ص ۱۲ و ۲۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

۲۷. پس از شهادت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۲ ق، بسیاری از اصحاب مهم ائمه، مانند صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمن، ریان بن الصلت قمی، در منزل عبدالرحمن بن حجاج در محله برکه زلز (از محلات بغداد) برای

سال‌های ۱۰۰ق، تا ۱۷۰ق، بیشتر فعالیت‌های علمی و اجتماعی و حتی سیاسی شیعیان در کوفه پیگیری می‌گردید.

۲. شکل‌گیری مدرسه حدیثی امامیه در بغداد

چنان‌که اشاره شد، با انتقال محدثان کوفی به بغداد با تلاش‌های علمی آنان و نیز فعالیت‌های اصحاب بغدادی تبار،^{۲۸} کانون حدیثی بغداد پی‌ریزی شده و هسته اولیه آن شکل گرفت. این کانون حدیثی در دهه‌های نخستین سده سوم هجری به اوج خود رسید. با شروع نفوذ امامیه و گسترش اندیشه آن، به تدریج نگرانی از سوی دستگاه خلافت پیدا شد و فشارها بر گروه‌های شیعی آغاز گردید^{۲۹} تا جایی که جریان کلامی امامیه در اواخر قرن دوم در بغداد بر اثر تنگناهای سیاسی به افول گرایید؛ ولی با این وجود، جریان حدیثی حدود نیم قرن در بغداد تداوم یافت. با آن‌که مواجهه با جریان‌های فکری رقیب در قالب مناظرات و رده‌نگاری - که از مهم‌ترین کارکردهای دانش کلام است - با تنگ‌تر شدن فضای بیرونی عملاً به محاق رفت، اما جریان حدیثی امامیه در بغداد به دلیل کارکرد درون مذهبی و انتشار پنهانی تا حد زیادی با چنین موانعی رو به رو نبود.

در راه اندازی و ساماندهی جریان حدیثی امامیه در بغداد شخصیت‌های مهمی نقش آفرینی کرده‌اند. عبدالرحمن بن حجاج کوفی (زنده در اوائل قرن سوم) با اقامت در بغداد^{۳۰} یکی از مهم‌ترین پایه‌گذاران کانون حدیثی بغداد است^{۳۱} که نقش بسزایی در پویایی و شکوفایی عرصه نشر حدیث و پرورش شاگردان داشته است. افراد برجسته‌ای چون صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر حجم قابل توجهی از معارف حدیثی را از او فرا گرفته‌اند. تأثیرگذاری عبدالرحمن بن حجاج بر سایر اصحاب به قدری برجسته بوده است که از وی با عنوان «استاد» شخصیتی چون صفوان بن یحیی یاد کرده‌اند.^{۳۲} هم‌زمان با عبدالرحمن بن حجاج،

آگاهی و گفت و گو برای جانشینی آن حضرت، گرد هم آمدند (اثبات الوصیه، ص ۲۲۰؛ دلائل الامامه، ص ۳۸۸).

۲۸. در این خصوص می‌توان به افرادی مانند یحیی بن حجاج کرخی، ابوالیسع کرخی بغدادی، قاسم بن عروه بغدادی، اشاره کرد (رجال النجاشی، ص ۲۹۳، ۳۱۴ و ۴۴۵).

۲۹. برای نمونه: محمد بن ابی عمیر مدتی را در زندان عباسیان گذاراند و حتی تازیانه خورد (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۶).

۳۰. رجال النجاشی، ص ۲۳۷.

۳۱. امام صادق علیه السلام در باره‌اش فرموده است: «یا عبد الرحمن! کلم أهل المدينة، فانی أحب أن یری فی رجال الشیعة مثلک» (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۴۱).

۳۲. رجال الطوسی، ص ۲۳۶.

برخی از اصحاب امام کاظم علیه السلام مانند علی بن ابی حمزه بطائنی کوفی، ظریف بن ناصح کوفی در بغداد حضور داشتند. شخصیت مؤثر دیگری که در تأسیس و توسعه جریان حدیثی بغداد نقش داشته، ابواحمد محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) شاگرد عبدالرحمن بن حجاج است که از او با عنوان «بغدادی الاصل و المقام» یاد کرده‌اند.^{۳۳} این محدث شهیر بغدادی نزد عالمان شیعه و سنی از جایگاه بلندی برخوردار بوده است^{۳۴} تا جایی که جاحظ معتزلی (م ۲۵۵ ق) از وی با تعبیر «وجها من وجوه الرافضه» نام برده است.^{۳۵}

ابن ابی عمیر افزون بر نقل حدیث از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام نزد بیش از شصت نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نیز اخذ روایت کرده بود.^{۳۶} با نگاهی به حجم روایان و شاگردانش می‌توان دریافت که وی نقش پررنگی در گسترش حدیث امامیه در بغداد داشته است. به گفته احمد بن محمد بن خالد برقی، وی ۹۴ کتاب تألیف کرده بود.^{۳۷} او اصول فراوان حدیثی را در اختیار داشته که حتی پس از تلف شدن آنها، با تکیه بر حافظه قوی خویش، نزدیک به چهل دفتر از آن اصول را احیا کرد.^{۳۸} امروزه روایات فراوانی از او در مصادر روایی امامی یافت می‌شود.^{۳۹} شمار قابل توجهی از آثار ابن ابی عمیر از طریق روایان بغدادی و کوفی به میراث‌داران پسینی امامیه انتقال داده شد.^{۴۰} و برخی از میراث‌روایی‌اش در میان خاندان‌های امامی بغداد دست به دست می‌شده است.^{۴۱}

گفتنی است سعیده و منته دو خواهر محدثه وی نیز ظاهراً در بغداد فعالیت

۳۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۶.

۳۴. نجاشی در این باره می‌نویسد: «جلیل القدر عظیم المنزله فینا و عند المخالفین» (رجال النجاشی، ص ۳۲۶).

۳۵. نجاشی این مطلب را از کتاب البیان و التبیین جاحظ نقل می‌کند (رجال النجاشی، ص ۳۲۶). البته این مطلب در کتاب البیان و التبیین - که اکنون در دست است - با قدری تغییر آمده است (البیان و التبیین، ج ۱، ص ۸۸). همچنین جاحظ در کتاب المفاخرة بین العدنانية و القحطانية (رجال النجاشی، ص ۳۲۶) در موضوع برتری عدنانی‌ها بر قحطانی‌ها، ابن ابی عمیر را متقی‌ترین، با ورع‌ترین، عابدترین و یگانه اهل روزگار خویش وصف نموده است (فهرست الطوسی، ص ۲۱۸).

۳۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۳۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۷.

۳۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۴.

۳۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۹۸.

۴۰. بعضی از آثار ابن ابی عمیر از طریق ابن عقده، از حمید بن زیاد نینوایی (بغدادی)، از ابن نهیک، از ابن ابی عمیر به دست نجاشی رسیده است (رجال النجاشی، ص ۳۲۷).

۴۱. کتاب عبید الله بن علی حلبی به روایت ابن ابی عمیر در دست خاندان آل فرات بوده و ظاهراً تلعبیری به واسطه فاطمه بنت هارون بن فرات به ابن اثر دست یافته است (رجال الطوسی، ص ۴۵۲).

حدیثی می‌کرده‌اند.^{۴۲}

فرد شاخص دیگری که تقریباً هم‌زمان با ابن ابی عمیر در حوزه حدیثی بغداد ایفای نقش می‌کرد، یونس بن عبدالرحمن است که افزون بر فعالیت‌های کلامی، در نشر حدیث امامیه نیز کوشا بوده و در این عرصه افرادی قابل ملاحظه‌ای در نزد او تلمذ کردند. البته روش نقل حدیث وی از سوی برخی دیگر از اصحاب (طیف ابن ابی عمیر) مورد انتقاد قرار گرفت.^{۴۳} به نظر می‌رسد در نیمه اول قرن سوم دو خط حدیثی به رهبری ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن، افزون بر دیدگاه کلامی این دو، در بغداد به وجود آمده بود؛ خط حدیثی ابن ابی عمیر توسط یعقوب بن یزید انباری در بغداد تداوم یافت.

یعقوب بن یزید انباری از اصحاب امام هادی علیه السلام - که رجال شناسان از او با تعبیر «کثیر الروایه» یاد کرده‌اند^{۴۴} - از جمله نقش آفرینان حوزه حدیثی بغداد به شمار می‌رود. وی که از خانواده‌ای محدث به بغداد مهاجرت کرده بود،^{۴۵} در آن شهر از محضر ابن ابی عمیر بهره‌مند گردید.^{۴۶} انباری، همانند استادش، با خط حدیثی یونس بن عبدالرحمن اختلاف نظر داشته و سبک و روش نقل حدیث یونس را بر نمی‌تابید و از این رو، بر یونس خرده می‌گرفت.^{۴۷} وی کتابی به نام کتاب الطعن علی یونس را نیز نگاشته است؛^{۴۸} اما نمی‌دانیم او در این کتاب دیدگاه کلامی یونس را نقد کرده است و یا نظرگاه حدیثی وی را.

گفتنی است علی بن حدید از مخالفان یونس^{۴۹} و استاد انباری نیز در بغداد^{۵۰} و به قولی در ناحیه مدائن، شش فرسخی بغداد، سکونت داشته^{۵۱} ولی از فعالیت‌های گسترده حدیثی وی در بغداد چیزی دانسته نیست. همچنین به نظر می‌رسد علی بن حکم انباری - که از او با

۴۲. همان، ص ۳۲۸؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۲۶.

۴۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۸۶.

۴۴. فهرست الطوسی، ص ۲۶۴.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۴۵۰. پدرش از اصحاب مورد اعتماد امامیه به شمار می‌آمد (رجال الطوسی، ص ۳۶۹).

۴۶. معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۱۵۸.

۴۷. یونس سماع مستقیم را در نقل حدیث شرط نمی‌دانست. از این رو، مورد نقد یعقوب بن یزید قرار داشته است (اختیار

معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۸۶).

۴۸. رجال النجاشی، ص ۴۵۰.

۴۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۸۷ و ۵۶۳.

۵۰. خطیب بغدادی در تاریخ بغداد از او و پدرش نام برده است (تاریخ بغداد ج ۸، ص ۲۷۵؛ ج ۱۱، ص ۴۱۳).

۵۱. رجال الطوسی، ص ۳۶۰.

عنوان «تلمیذ ابن ابی عمیر»^{۵۲} یاد شده - در بغداد فعال بوده است. با آن که وی شمار زیادی از اصحاب امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده،^{۵۳} اما از فعالیت های حدیثی وی اطلاع زیادی نداریم.

از دیگر سو، شاگردان یونس بن عبدالرحمن، همانند شاگردان ابن ابی عمیر در بغداد به نقل و انتشار حدیث اهتمام داشته اند. محمد بن عیسی بن عبید بغدادی شاگرد نام آور یونس^{۵۴} - که روایات زیادی در اختیار داشته^{۵۵} - بیش از دیگران در این زمینه نقش آفرین بوده است. جایگاه والای حدیثی محمد بن عیسی، شمار زیادی از محدثان سایر نواحی امامی نشین را به بغداد کشاند و از این رو، منقولات وی را در مناطق دوردستی چون ماوراءالنهر منتشر گردید.^{۵۶} آثار عبیدی پس از غیبت صغریا نیز در میان حاملان حدیث امامیه در بغداد ترویج می شد و شیخ طوسی از طریق خط بغدادی به آثار وی دست یافت.^{۵۷} شاگردان دیگر یونس، مانند محمد بن احمد بن مطهر بغدادی^{۵۸} و عباس بن موسی وراق، مقیم بغداد،^{۵۹} ظاهراً خط حدیثی وی را در بغداد ادامه می دادند.

نکته دیگر، آن که ابوهاشم جعفری (م ۲۶۱ق)، مقیم بغداد،^{۶۰} از اصحاب سرشناس و مورد اکرام شماری از ائمه علیهم السلام^{۶۱} و ظاهراً از هواداران یونس، کم و بیش در بغداد به نقل حدیث اهتمام داشته است.^{۶۲} البته در مرحله اخیر، یعنی نیمه اول قرن سوم، افزون برد و طیف یاد شده، محدثان دیگری چون ابراهیم کرخی بغدادی، هارون بغدادی، ریان بن صلت بغدادی، عمر بن فرات بغدادی، حسن بن راشد آل مهلب بغدادی، علی بن بلال بغدادی، حمزه بغدادی، حسن بن جعفر فافایی بغدادی، علی بن معبد بغدادی، علی بن سلیمان

۵۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۰.

۵۳. همان.

۵۴. رجال الطوسی، ص ۳۹۱.

۵۵. نجاشی با تعبیر «کثیر الروایه، حسن التصانیف» از او یاد کرده است (رجال النجاشی، ص ۳۳۳).

۵۶. «جریان شناسی فکری امامیه در خراسان و ماوراءالنهر»، ص ۹۵.

۵۷. فهرست الطوسی، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۵۸. رجال الطوسی، ص ۴۰۱.

۵۹. رجال النجاشی، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.

۶۰. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۶۵.

۶۱. وی حضرت امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام را درک کرده و در نزد آنان از جایگاهی رفیع برخوردار بوده است (فهرست الطوسی، ص ۱۲۴).

۶۲. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۳۶۲-۳۶۴.

بغدادی، علی بن رمیس بغدادی، فضل بن کثیر بغدادی، علی بن عبدالله بن مروان بغدادی،^{۶۳} محمد بن عمر جرجانی بغدادی،^{۶۴} ابویوب انباری نزیل بغداد،^{۶۵} احمد بن عبید بغدادی،^{۶۶} احمد بن عائذ، علی بن خلید بغدادی، زیاد بن مروان قندی بغدادی،^{۶۷} حفص البحتری بغدادی، سعید بن جناح بغدادی، سندی بن الربیع، عیسی بن السری بغدادی، عبدوس بن ابراهیم بغدادی، قاسم بن سلیمان بغدادی، محمد بن حسن بن شمون بغدادی، معمر بن خلاد بغدادی، نصر بن سوید صیرفی،^{۶۸} خالد بن حجاج کرخی بغدادی و صالح بن عطیه بغدادی^{۶۹} در حوزه حدیثی بغداد فعال بوده‌اند. علاوه بر مشخص نبودن وابستگی جریانی این افراد، منقولات آنان نیز به دلایلی نامعلومی در منابع حدیثی کمتر انتشار یافته است.

۳. ارتباط مدرسه حدیثی بغداد با سایر مراکز امامی نشین

پس از حضور پرنسپل اصحاب برجسته ائمه علیهم‌السلام در شهر بغداد و شکل‌گیری کانون حدیثی امامیه در این شهر، فرهیختگان بسیاری از مناطق امامی نشین خود را به حدیث بغدادیان نیازمند دیدند. لذا بسیاری از محدثان آن نواحی برای فراگیری حدیث رهسپار بغداد شدند. گرچه در آغاز، بغداد برای کوفیان محل نشرو عرضه حدیث محسوب می‌شده است، ولی به تدریج، در اوایل قرن سوم هجری برای سایر نواحی امامی نشین، حتی کوفه، به مرکزی برای صدور حدیث تبدیل شده بود. مهم‌ترین مناطقی که در این دوره با کانون حدیثی بغداد مرتبط شدند و دریافت حدیث کردند عبارت‌اند از:

کوفه: کوفه همواره مهد مهم حدیث امامیه به شمار می‌رفته است و در آغاز بغداد محل نشر حدیث کوفیان بود. با وجود این، با شکل‌گیری کانون حدیثی بغداد محدثان کوفی خود را نسبت به حدیث و میراث روایی موجود در بغداد بی‌نیاز نمی‌دیدند. از این رو، برخی از محدثان آن شهر، از نسل سوم به بعد، با محدثان بغدادی ارتباط برقرار کرده و برای حدیث

۶۳. رجال الطوسی، ص ۱۶۷، ۲۲۰، ۳۵۷، ۳۶۲، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰ و ۴۰۰.

۶۴. همان، ۴۴۸.

۶۵. فهرست الطوسی، ص ۲۷۲ و ۲۷۳.

۶۶. همان، ص ۸۲.

۶۷. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۶، ۶۵۳ و ۷۶۷.

۶۸. رجال النجاشی، ص ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۸۲، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۱۴، ۳۳۵، ۴۲۱ و ۴۲۷.

۶۹. رجال البرقی، ص ۳۱ و ۵۱.

آموزی به بغداد عزیمت کردند. در این زمینه می‌توان به بهره‌مندی حسن بن فضال، محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب (م ۲۶۲ق) و حسن بن محمد بن سماعه (م ۲۶۳ق)، محدث کثیرالحدیث شیعه، از محضر محدثان بغدادی همچون محمد بن ابی عمیر اشاره کرد.^{۷۰} این امر به خودی خود از جایگاه رفیع کانون حدیثی بغداد حکایت دارد. نکته جالب توجه این که به نظر می‌رسد بنوفضال - که بعدها از پرچمداران جریان حدیثی کوفه به شمار می‌رفتند - از طرفداران خط ابن ابی عمیر بغدادی در کوفه بوده‌اند.^{۷۱}

قم: حوزه حدیثی بغداد یکی از مهم‌ترین منابع حدیث مدرسه حدیثی قم محسوب می‌شود. تقریباً در آستانه غیبت صغرا مدرسه حدیثی قم در مرحله شکل‌گیری بوده و قمی‌ها سخت در تکاپوی گردآوری معارف اهل بیت علیهم‌السلام بودند. آنان از اصحاب امامیه در بغداد، میراث حدیثی را فرا گرفته و به قم انتقال دادند. به نظر می‌رسد قمیان در آغاز (نیمه اول قرن سوم هجری) در فراگیری حدیث از اصحاب بغدادی، تفاوتی بین دو طیف عمده آن (طیف ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن) قایل نمی‌شدند و از هر دو گروه به یکسانی، نقل حدیث می‌کردند، ولی در دوره‌های بعد (تقریباً در سال‌های ۲۶۰ق تا ۳۵۰ق) آنها بیشتر به سوی خط ابن ابی عمیر گرایش پیدا کرده و با روایات خط یونس بن عبدالرحمن روشی سخت‌گیرانه پیش گرفتند.

به هر روی، در این عصر قمی‌های سرشناسی مانند برقی، صفار، ابوالعباس حمیری، عبدالله بن عامر اشعری^{۷۲} عموی حسین بن احمد بن عامر (استاد کلینی) به بغداد آمدند و از اصحابی چون ابن ابی عمیر، یعقوب بن یزید، محمد بن عیسی بن عبید اخذ حدیث کردند.^{۷۳} گفته شده که احمد بن محمد بن عیسی اشعری از طریق ابن ابی عمیر، به کتاب‌های صد نفر از اصحاب امام صادق علیه‌السلام دست پیدا کرد.^{۷۴} ابراهیم بن هاشم نیز - که او را نخستین انتشار دهنده حدیث کوفیان در قم برشمرده‌اند - ظاهراً قبل از ورود به قم، - در بغداد از یونس بن عبدالرحمان و ابن ابی عمیر روایات بغدادی‌ها را فرا گرفته و در قم منتشر ساخته است و حتی او به عنوان «تلمیذ یونس بن عبدالرحمن» شناخته

۷۰. رجال الطوسی، ص ۲۹۹؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۳۰۰.

۷۱. علی بن حسن بن فضال همواره ابن ابی عمیر را افقه و افضل و اصلح از یونس برمی‌شمرد (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۴ و ۸۵۵).

۷۲. رجال الطوسی، ص ۴۲۴.

۷۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۳۰۰؛ ج ۱۸، ص ۱۱۶؛ ج ۲۱، ص ۱۵۹.

۷۴. فهرست الطوسی، ص ۲۱۸.

می شده است.^{۷۵} عبدالعزیز بن مهتدی اشعری، از هواداران یونس، هم در قم فعالیت حدیثی داشته و مشایخ قمی مانند احمد اشعری و محمد بن خالد برقی از او بهره برده‌اند.^{۷۶} نکته دیگر، آن که قمی‌ها از طریق کوفی‌های دانش‌آموخته در بغداد، مانند حسن بن فضال (م ۲۲۴ق) و محمد بن حسین بن ابی الخطاب (م ۲۶۲ق) نیز به حدیث بغدادیان دست پیدا کرده بودند.^{۷۷} همچنین برخی از آثار مشایخ حدیث‌گرای بغداد به وسیله محدثان قمی به نسل‌های پسینی بغداد منتقل شده است.^{۷۸}

خراسان و ماوراءالنهر: حدیث بغدادیان به دو منطقه خراسان و ماوراءالنهر در شرق اسلامی نیز منتقل شد. نقش فضل بن شاذان در این خصوص بارز و غیر قابل انکار است. او با بهره‌گیری از مشایخ بغدادی، مانند ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن به غنی‌سازی کانون حدیثی و کلامی خراسان کمک شایانی نمود.^{۷۹} تقریباً در اواخر نیمه اول قرن سوم، علاوه بر محدثان خراسانی، محدثان ماوراءالنهری هم با سفر به بغداد، به گردآوران حدیث امامیه در بغداد پیوستند. جبریل بن احمد فاریابی - که از او به عنوان «کثیر الروایة عن العلماء العراق...» یاد شده است^{۸۰} - یکی از برجسته‌ترین افراد در این عرصه است. وی در بغداد نزد محمد بن عیسی بن عبید حدیث آموخت^{۸۱} و در منطقه گش انتشار داد.^{۸۲} سه برادر محمد و حمدویه و ابراهیم بن نصیر کشی - که همگی با عنوان «کثیر العلم و الروایة» توصیف شده‌اند^{۸۳} - از جمله افرادی هستند که در حوزه حدیثی بغداد در محضر افرادی چون محمد بن عیسی بن عبید و یعقوب بن یزید تلمذ نموده^{۸۴} و در انتقال میراث بغدادی‌ها به ماوراءالنهر نقش‌آفرین بوده‌اند.

۷۵. رجال الطوسی، ص ۳۵۳.

۷۶. همان، ص ۴۳۵.

۷۷. رجال النجاشی، ص ۸۹، ۱۰۷، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۸۳، ۲۰۱، ۲۰۴، ۴۲۵، ۴۵۲ و ...

۷۸. برای نمونه: کسانی مانند صفار، سعد بن عبدالله اشعری، ابن ماجیلویه و محمد بن احمد بن یحیی کتاب آداب امیر المؤمنین علیه السلام، مشهور به حدیث الاربعائه، نوشته قاسم بن یحیی راشدی را از محمد بن عیسی یقطینی اخذ کردند و در قم انتشار دادند (آداب امیر المؤمنین، ص ۲۹) و یا فهرست نگاران بغدادی در قرن پنجم نیز از طریق ابراهیم بن هاشم، آثار ابن ابی عمیر را شناسانده‌اند (فهرست الطوسی، ص ۲۱۸ و ۲۱۹).

۷۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۱۹.

۸۰. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

۸۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۵۶؛ ج ۲، ص ۴۳۹، ۵۴۲، ۶۱۷، ۶۹۲ و ...

۸۲. حلقه‌های درسی او در کش مشهور بوده است (لسان المیزان، ج ۲، ص ۹۴ و ۹۵).

۸۳. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ۴۲۱ و ۴۴۰.

۸۴. در این باره، رک: (اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷، ۲۰، ۲۶، ۵۹، ۶۲، ۱۶۴، ۲۱۷، ۳۴۷، ۳۵۷، ۳۸۱، ۳۸۳ و ...).

۴. آثار و تولیدات حدیثی و مجالس حدیثی در مدرسه بغداد

با توجه به سکونت اصحاب برجسته در بغداد و تکاپوی تحسین برانگیز علمی آنان، آثار فراوانی در زمینه‌های مختلفی به نگارش درآمد که به عنوان نمونه گفته‌اند که یونس بن عبدالرحمن در عرصه کلام هزار جلد کتاب در نقد مخالفین تألیف کرده است.^{۸۵} تلاش‌های آنان در عرصه حدیث نیز قابل توجه است، و در این زمینه نیز آثار ارزشمند حدیثی در حوزه بغداد تدوین گردید که بسیاری از این آثار در سده‌های پسینی در تدوین جوامع حدیثی مورد استفاده قرار گرفت. کتاب‌های تولید شده در حوزه حدیثی بغداد را می‌توان به دو گونه تک‌نگاری و جامع‌نگاری دسته‌بندی کرد.

به نظر می‌رسد نخستین جامع‌نگاری حدیثی امامیه در بغداد صورت گرفته است. کتاب *جامع فی ابواب الفقه علی بن ابی حمزه بطائنی کوفی* بغدادی از آثار اولیه جامع‌نگاری محسوب می‌شود.^{۸۶} گفته شده که یاران یونس کتابی به نام *الجامع*، در اختیار داشتند که در آن احادیث اهل بیت علیهم‌السلام گردآوری شده بود.^{۸۷} احتمال می‌رود این اثر، همان کتاب *الجامع الکبیر فی الفقه*^{۸۸} و یا *جامع الآثار*^{۸۹} یونس بن عبدالرحمن باشد. این کتاب از طریق ابوالعباس حمیری به قم راه پیدا کرده است.^{۹۰} یونس کتاب دیگری به نام *الجامع الصغیر* تألیف کرده بوده که سید بن طاوس (م ۶۶۴ق) از آن بهره برده است.^{۹۱} البته فهرست‌نگاران شیعی به این کتاب اخیر اشاره‌ای نکرده‌اند. ظریف بن ناصح، از اصحاب مقیم بغداد، با نگاشتن کتاب *الجامع فی سائر ابواب الحلال والحرام* نیز در زمره نخستین جامع‌نگاران حدیث امامیه قرار دارد.^{۹۲} این اثر هم توسط حمیری به قم منتقل گردیده است.^{۹۳}

همچنین به نظر می‌رسد برای اولین بار کتاب‌هایی از نوع *قرب الاسناد و بُعد الاسناد* در

۸۵. فضل بن شاذان نقل کرده که «یونس بن عبدالرحمن... و ألف ألف جلد رداً علی المخالفین» (*اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۷۸۰).

۸۶. *رجال النجاشی*، ص ۲۵۰.

۸۷. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۷۹۰، ش ۹۵۵.

۸۸. *رجال النجاشی*، ص ۴۴۷.

۸۹. *فهرست الطوسی*، ص ۲۲۶.

۹۰. *رجال النجاشی*، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ *فهرست الطوسی*، ص ۲۲۶.

۹۱. *سعد السعود*، ص ۷۹ و ۸۰؛ *فرج المهموم*، ص ۲ و ۲۳.

۹۲. *رجال النجاشی*، ص ۲۰۹.

۹۳. همان.

بغداد تولید شد^{۹۴} که بعدها قمی‌ها به نگارش چنین آثاری توجه نشان دادند.^{۹۵} افزون بر این، کتاب‌های تک‌نگاری فراوانی در موضوعات مختلف در بغداد تدوین گردید. ابن ابی عمیر از ارکان حدیثی امامیه در بغداد آثار فراوانی از این دست را مدون ساخته بود که پس از نابودی آنها، از حفظ چهل مجلد از آنها را با عنوان نوادر احیا کرد.^{۹۶} شیخ صدوق در تدوین کتاب *من لایحضره الفقیه* از نوادر ابن ابی عمیر بهره برده است.^{۹۷}

در موضوع علم الحدیث و دانش رجال نیز اصحاب بغدادی فعال بودند. آنان با نگارش کتاب‌هایی در دانش حدیث و رجال به نوعی از پیشگامان این عرصه به شمار می‌روند. در این زمینه می‌توان به کتاب‌های *اختلاف الحدیث* ابن ابی عمیر^{۹۸} و *علل الاحادیث* یا *اختلاف الحدیث* یونس بن عبدالرحمان اشاره کرد.^{۹۹} محمد بن عیسی عبیدی بغدادی نیز در دانش رجال کتابی به نام *الرجال* را تألیف کرده بود.^{۱۰۰}

در دوره پیش رو، در شهر بغداد نشست‌های علمی در بغداد از رونق بسزایی برخوردار بوده است، ولی در منابع، به صراحت از مجالس و حلقات حدیثی امامیه گزارش چندانی در دسترس نیست؛ با آن که می‌دانیم با وجود محدثان برجسته از اصحاب در بغداد قطعاً آنان در آن شهر مجالس حدیثی داشته‌اند، ولی این نکته را نباید فراموش کرد که فعالیت‌های گروه امامیه در بغداد همواره از سوی خلافت عباسی رصد می‌شده است. از این رو، برگزاری علنی جلسات علمی و حدیثی امامیه، در دوران حضور، در بغداد با مشکلاتی مواجه بوده است. هر چند مباحث حدیثی از حساسیت کمتری نسبت به مباحث کلامی برخوردار بود،

۹۴. در این باره، رک: کتاب‌های *بعد الاسناد* و *قرب الاسناد* محمد بن عیسی بن عبید بغدادی (*رجال النجاشی*، ص ۳۳۴). البته شیخ طوسی در *الفهرست* کتابی به نام *قرب الاسناد* به ابوالحسین بن معمر کوفی نسبت داده است (*فهرست الطوسی*، ص ۲۷۷). به نظر می‌رسد این نویسنده همان ابوالحسین محمد بن علی بن معمر کوفی است که هارون بن موسی تلعبیری در سال ۳۲۹ ق، از او حدیث فرا گرفته است (*رجال الطوسی*، ص ۴۴۲). بنا بر این، این کتاب در دوره غیبت صغرا و پس از کتاب‌های بغدادیان تألیف شده است.

۹۵. در این باره، رک: کتاب‌های *قرب الاسناد* ابوالرضا رضی الله عنه و کتاب *قرب الاسناد* ابی جعفر بن الرضا رضی الله عنه و کتاب *قرب الاسناد* ابی صاحب الامر رضی الله عنه ابوالعباس حمیری قمی (*رجال النجاشی*، ص ۲۲۰) و کتاب *قرب الاسناد* علی بن ابراهیم بن هاشم (همان، ص ۲۶۰) و کتاب *قرب الاسناد* علی بن بابویه قمی (همان، ص ۲۶۱) و کتاب *قرب الاسناد* ابن بطه قمی (همان، ص ۳۷۳).

۹۶. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۸۵۴.

۹۷. *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۴۰۵؛ ج ۲، ص ۱۶۱ و ۳۹۳؛ ج ۳، ص ۸۸؛ ج ۴، ص ۱۵۷.

۹۸. *رجال النجاشی*، ص ۳۲۷.

۹۹. *فهرست ابن ندیم*، ص ۲۷۶؛ *فهرست الطوسی*، ص ۲۶۶.

۱۰۰. *رجال النجاشی*، ص ۳۳۴.

با وجود این نقل و انتشار حدیث امامیه مورد خوشایند دستگاه خلافت نبوده است. به همین دلیل است که خواهر محمد بن ابی عمیر، از محدثان نامدار، پس از دستگیری ابن ابی عمیر به ناچار اقدام به دفن کتاب‌های وی می‌نماید. با این همه، در پاره‌ای از منابع به برخی از مجالس علمی و حدیثی اصحاب امامیه در بغداد اشاره شده است که مجلس ابن ابی عمیر^{۱۰۱} و نوح بن شعیب بغدادی از آن جمله‌اند.

۵. خاندان‌های حدیثی امامیه در بغداد

با بررسی پاره‌ای از منابع رجال‌شناسی به برخی از بیوتات علمی و حدیثی امامیه برمی‌خوریم که برخی از آنها در شهر بغداد سکونت داشته و در آن جا نیز فعالیت‌های علمی خویش را پیگیری می‌کردند و در شکوفایی مدرسه حدیثی امامیه در بغداد نقش آفرین بوده‌اند. هرچند در این دوران شمار این خاندان‌ها در بغداد، مانند دوده‌های امامی کوفه فراوان نیست، اما با وجود این، حضور آنها در مدرسه حدیثی بغداد پرنسب و قابل توجه است.

یکی از مشهورترین خاندان‌های علمی و سیاسی امامیه در بغداد، خاندان آل یقطین است. علی بن یقطین، کارگزار عباسیان و از اصحاب امام کاظم علیه السلام، برجسته‌ترین فرد این دودمان به شمار می‌آید.^{۱۰۲} برادران وی خزیمه، عبید و یعقوب نیز همگی از اصحاب آن حضرت بودند.^{۱۰۳} فرزندان او احمد، حسن و حسین هم در زمره عالمان و محدثان امامیه قرار داشتند.^{۱۰۴} محمد، احمد و جعفر فرزندان عیسی بن عبید بن یقطین نیز از محدثان امامی بغداد به شمار می‌روند.^{۱۰۵} و محمد بن عیسی بن عبید سرشناس‌ترین چهره آنها است. افزون بر اینان، می‌توان به محدثان دیگری از این خاندان مانند محمد بن عبدالله یقطینی بغدادی، ابراهیم بن محمد یقطینی و قاسم بن علی یقطینی، ساکن قم نیز اشاره کرد.^{۱۰۶} یونس بن عبدالرحمن از اصحاب ممتاز امام رضا علیه السلام و فرزند وی محمد بن یونس بن عبدالرحمن از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام، و هم‌بند محمد بن ابی عمیر در

۱۰۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۵ و ۸۵۶.

۱۰۲. فهرست الطوسی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۱۰۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۲۹.

۱۰۴. رجال النجاشی، ص ۴۵؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۷۱؛ رجال الطوسی، ص ۳۵۵.

۱۰۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۷۹؛ رجال النجاشی، ص ۳۳۳؛ الخصال، ص ۳۸۸.

۱۰۶. هداية الكبرى، ص ۳۵۳؛ فرج المهموم، ص ۹۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۱۶.

زندان عباسیان،^{۱۰۷} نیز از موالی این خانواده بودند.^{۱۰۸}

آل مهران یا آل خانه کرخی ایرانی تبار^{۱۰۹} - که ظاهراً در کرخ بغداد سکونت داشتند - از خاندان های بزرگ حدیثی بغداد در این دوره محسوب می شوند. احمد بن عبدالله بن مهران بن خانه از نویسندگان و از اصحاب موثق امامیه یکی از مهم ترین افراد این دودمان است.^{۱۱۰} وی در زمره شاگردان ممتاز یونس بن عبدالرحمن قرار داشته و با تعبیر یونسی شناخته می شده است.^{۱۱۱} همو کتابی هم نام کتاب *یوم وليلة* استادش یونس تألیف کرده بود.^{۱۱۲} فرزند او محمد بن احمد نیز از اصحاب مورد اعتماد امامیه به شمار می رود که کتاب هایی نیز نوشته بود.^{۱۱۳} برادر وی محمد بن عبدالله بن مهران - که نجاشی از او با تعبیر فاسد المذهب و الحدیث یاد کرده - از محدثان پیرو خط متهم به غلوبوده است^{۱۱۴} و در پی اندیشه این گروه کتاب های چون *مناقب ابی الخطاب* و *مقتل ابی الخطاب* را تألیف کرده بود.^{۱۱۵} با این حال، روایات وی از طریق احمد بن ابی عبدالله برقی و محمد بن احمد بن بن یحیی اشعری (صاحب *نوادیر الحکمه*) به مصادر روایی امامیه راه پیدا کرده است.^{۱۱۶} محمد بن اسحاق بن خانه از محدثان گمنام و از مشایخ ابوالعباس حمیری نیز از تبار این خاندان است.^{۱۱۷}

یکی دیگر از خاندان های علمی و سیاسی امامیه آل بزیع است.^{۱۱۸} اینان - که اصالت کوفی داشتند^{۱۱۹} - ظاهراً به دلیل وابستگی قبیله ای به منصور عباسی و نیز عهده دار شدن مسئولیت سیاسی در دستگاه عباسی در بغداد سکنا گزیده بودند.^{۱۲۰} محمد بن اسماعیل

۱۰۷. رک: *رجال النجاشی*، ص ۳۲۶.

۱۰۸. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۷۸۳ و ۸۵۵؛ *رجال الطوسی*، ۳۷۸ و ۳۶۶؛ *رجال النجاشی*، ص ۳۷۶ و ۴۴۶.

۱۰۹. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۸۳۷.

۱۱۰. *خلاصة الاقوال*، ص ۶۴.

۱۱۱. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۸۳۷.

۱۱۲. *رجال النجاشی*، ص ۹۱ و ۴۴۸.

۱۱۳. همان، ص ۳۴۶.

۱۱۴. همان، ص ۳۵۰.

۱۱۵. همان.

۱۱۶. *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۷، ص ۲۶۵.

۱۱۷. *رجال النجاشی*، ص ۳۴۶.

۱۱۸. همان، ص ۳۳۰.

۱۱۹. طوسی از محمد بن اسماعیل بن بزیع با عنوان کوفی یاد می نماید (*رجال الطوسی*، ص ۳۶۴).

۱۲۰. محمد بن اسماعیل بن بزیع از موالی منصور عباسی بوده است (*رجال النجاشی*، ص ۳۳۰) و نیز عموزاده اش احمد



بن بزیع شاخص‌ترین فرد این خانواده، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام^{۱۲۱} و از محدثان نامور امامیه محسوب می‌شود.^{۱۲۲} عموی وی حمزه بن بزیع هم در جرگه راویان امامی قرار دارد.^{۱۲۳}

۶. افول مدرسه حدیثی بغداد

مرکز مهم حدیثی بغداد در آستانه غیبت صغرا رفته رفته به افول گرایید و این وضع تقریباً در نیمه اول غیبت صغرا نیز تداوم پیدا کرد. فشارهای سیاسی و فضای خفقانی که از سوی خلفای عباسی برای امامان امامیه و پیروان‌شان ایجاد شده بود، در این افول نقش اصلی را بر عهده داشته است. هر چند تنگناهای سیاسی قبل از این دوران نیز وجود داشت، ولی این فضای رعب آور از زمان خلافت متوکل عباسی (خ ۲۳۲ ق - ۲۴۷ ق) دو چندان گردید و برای مدت مدیدی نیز تداوم یافت.

متوکل - که به شدت تحت تأثیر افکار اهل حدیث قرار داشت - سخت با سایر جریان‌های فکری از جمله امامیه برخورد می‌کرد؛ به عنوان نمونه، او وقتی متوجه شد نصر بن علی جهضمی به اسنادش از امام کاظم علیه السلام این حدیث نبوی «من أحبني وأحب هذين (حسن و حسین) و أباهما وأمهما كان معي في درجتي يوم القيامة» را نقل کرده است، فرمان داد به وی هزار ضربه تازیانه بزنند. البته با آگاهی از مذهب آن محدث سنی از مجازاتش منصرف گردید.^{۱۲۴} همچنین یعقوب بن اسحاق بن سکیت از اصحاب امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام تنها به جرم تشیع به دستور متوکل به شهادت رسید^{۱۲۵} و یا علی بن جعفر از وکلای امام هادی علیه السلام در حوالی بغداد مدتی را در زندان متوکل گذراند.^{۱۲۶} از این گزارش‌ها درمی‌یابیم که نقل احادیث اهل بیت علیهم السلام از سوی ناقلان حدیث امامیه در منطقه بغداد با مشکل مواجه بوده است.^{۱۲۷} پس از متوکل نیز این سیاست فشار توسط خلفای بعدی ادامه

بن حمزه را در زمره وزراء بر شمرده‌اند (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۵ و ۸۳۶).

۱۲۱. رجال الطوسی، ص ۳۴۴ و ۳۶۴.

۱۲۲. رجال النجاشی، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

۱۲۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۲۷؛ رجال النجاشی، ص ۲۷۶.

۱۲۴. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۸۹.

۱۲۵. رجال النجاشی، ص ۴۴۹.

۱۲۶. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵ و ۸۶۶.

۱۲۷. خطیب بغدادی می‌نویسد: متوکل گمان می‌کرد که علی بن نصر راوی حدیث یاد شده پیرو مذهب امامیه است که

چنین فرمانی را صادر کرد (تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۸۹).

یافت؛ مثلاً ابی هاشم جعفری، از اصحاب برجسته امام رضا علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام، در عصر معتز عباسی^{۱۲۸} (خ ۲۵۲ ق - ۲۵۵ ق) به بهانه برخی از مسائل سیاسی در بغداد دستگیر و به سامرا فرستاده شد.^{۱۲۹}

به نظر می‌رسد بر اثر این اقدامات سخت گیرانه دستگاه خلافت بود که محدثان بغدادی پراکنده شدند و مرکز حدیثی بغداد از رونق افتاد. برخی از محدثان از بغداد به سوی دیگر مناطق هجرت کردند که در این باره می‌توان از انتقال علی بن بلال بغدادی از اصحاب امام هادی علیه السلام و از مشایخ نامور حدیثی امامیه به شهبواسط سخن به میان آورد.^{۱۳۰} یا آن که حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق) از راویان سرشناس امامی، از ناحیه سوره، در حوالی بغداد، به اطراف کربلای مقدس نقل مکان کرد.^{۱۳۱} هر چند دلیل این مهاجرت‌ها به صراحت بیان نشده است، ولی نباید تنگناهای سیاسی را در این زمینه نادیده انگاشت.

دست‌آورد

با انتقال اصحاب برجسته ائمه علیهم السلام در اوایل قرن سوم به بغداد، و با کوشش آنها مرکز حدیثی بغداد شکل گرفت. این مرکز حدیثی در نیمه اول سده سوم هجری با حضور و فعالیت‌ها اصحاب صاحب‌نام امامیه به قدری اهمیت یافته بود که بیشتر احادیث امامیه در این دوره از بغداد به سایر مناطق امامی‌نشین، مانند قم، خراسان و ماوراءالنهر و حتی کوفه انتقال پیدا می‌کرد. در کانون حدیثی بغداد دو خط حدیثی فعال بوده‌اند: طیفی که به محمد بن ابی عمیر بغدادی از اصحاب ممتاز امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام گرایش داشتند. می‌توان گفت این طیف جریان محدثان و محدث متکلمان کوفه را در بغداد نمایندگی می‌کرد. گروهی نیز تحت تأثیر یونس بن عبدالرحمن، شاگرد هشام بن حکم، از متکلمان و فقهای نامور امامیه بوده‌اند. شاگردان یونس، به ویژه شخصیت سرشناسی چون محمد بن عیسی بن عبید - که معمولاً به یونسی نامبردار بودند - در حوزه حدیثی بغداد نقش آفرین بوده‌اند.

با شکل‌گیری حوزه حدیثی بغداد و فعالیت اصحاب برجسته امامیه در آن جا، در دوره

۱۲۸. معتز عباسی به شدت با امام علی علیه السلام دشمنی می‌کرد و این اثر از او با تعبیر غالی در نصب نام برده است (الکامل، ج ۸، ص ۱۸).

۱۲۹. تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۵۱۲ و ۵۱۳.

۱۳۰. رجال النجاشی، ص ۲۷۸.

۱۳۱. همان، ص ۱۳۲.

حضور، آثار حدیثی فراوانی در بغداد تولید شد. افزون بر نوشته‌های تک‌نگاری، برای نخستین بار در تاریخ امامیه کتاب‌های جامع حدیثی در بغداد تدوین گردید. با ورود این آثار تدوین شده به دیگر مناطق امامی‌نشین، مانند قم، در شکل‌گیری و غنی‌سازی حوزه حدیثی آن نواحی کمک شایانی کرد. همچنین در این دوره خاندان‌های مهمی از امامیه، مانند خاندان آل یقطین و آل‌خانبه در بغداد حضور داشتند که در ترویج و گسترش حدیث در مرکز حدیثی بغداد نقش آفرین بودند.

کانون حدیثی امامیه در بغداد پس از نیم قرن فعالیت سرانجام در اواخر نیمه اول سده سوم هجری و در آستانه غیبت صغرا بر اثر فشارها و تنگناهای سیاسی که از سوی خلفای عباسی همچون متوکل، برای شیعیان عراق، به ویژه بغدادیان ایجاد شده بود، به افول گرایید.

ناگفته نماند هر چند مدرسه حدیثی بغداد در دوران حضور در آستانه غیبت صغرا کم‌فروغ شده و به افول رفت، اما پس از مدتی دراز در سده چهارم هجری با همت عالمان مهاجر قمی، مانند کلینی، ابن داود قمی، ابن قولویه و شیخ صدوق بار دیگر رونق از دست رفته خویش را باز یافت و در نیمه دوم سده چهارم و نیمه اول سده پنجم هجری با تلاش‌های سترگ عالمانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی به اوج شکوفایی خویش نایل آمد.

کتابنامه

- اثبات الوصیه، علی بن حسین مسعودی، قم: موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.
- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۴ق.
- آداب امیرالمؤمنین علیه السلام، راشدی، قاسم بن یحیی راشدی، تحقیق: مهدی خدامیان آرانی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ش.
- البیان والتبیین، عمرو بن بحر جاحظ، بیروت: مکتبه هلال، ۱۴۲۳ق.
- تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

- تاريخ الطبري، محمد بن جرير طبري، تحقيق: نخبة من العلماء، بيروت: موسسه الاعلمي، ١٤٠٣ق.
- الخصال، محمد بن علي صدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: موسسه نشر اسلامي، ١٤٠٣ق.
- خلاصة الاقوال، حسن بن يوسف حلي، تحقيق: جواد قيومي، قم: نشر الفقاهه، ١٤١٧ق.
- دلائل الامامة، محمد بن جرير طبري، قم: مؤسسة البعثة، ١٤١٣ق.
- ذيل تاريخ بغداد، محمد بن محمود بن نجار، تحقيق: مصطفى عبدالقادر يحيى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٧ق.
- رجال البرقي، احمد بن محمد برقي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجال الطوسي، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: جواد قيومي، قم: موسسه النشر الاسلامي، ١٤٠٤ق.
- رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، تحقيق: سيد موسى شبيري زنجاني، قم: موسسه النشر الاسلامي، ١٤٠٧ق.
- سعد السعود، علي بن موسى بن طاوس، قم: منشورات الرضي، ١٣٦٣ش.
- طبقات المعتزله، احمد بن يحيى بن مرتضى، تحقيق: سوسنه ديفلد، بيروت: مؤسسة الريان، ١٤٣٠ق.
- فرج المهموم، علي بن موسى بن طاوس، قم: منشورات الرضي، ١٣٦٣ش.
- فهرست الطوسي، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: جواد قيومي، قم: نشر الفقاهه، ١٤٠٤ق.
- فهرست ابن نديم، محمد بن اسحاق بن نديم، تحقيق: رضا تجدد، بي جا.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش.
- الكامل في التاريخ، علي بن محمد بن اثير، بيروت: دار صادر، ١٣٨٦ق.
- لسان الميزان، احمد بن علي بن حجر، بيروت: موسسه الاعلمي، ١٣٩٠ق.
- مستدركات علم رجال الحديث، علي نمازي، تهران: شفق، ١٤١٢ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويي، بي جا، ١٤١٣ق.
- من لايحضره الفقيه، محمد بن علي صدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: موسسه نشر اسلامي.
- المؤلف والمختلف، علي بن عمر دارقطني، تحقيق: موفق بن عبدالله بن عبدالقادر،

- بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت: موسسه البلاغ، ۱۴۱۱ق.
- «بغداد»، سید کاظم بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- «جریان شناسی فکری امامیه در خراسان و ماوراءالنهر»، محمد تقی سبحانی، سید اکبر موسوی تنیانی، مجله تحقیقات کلامی، ش ۴، ۱۳۹۳ش.
- «کلام امامیه: ریشه ها و رویش ها»، محمد تقی سبحانی، نقد و نظر، ش ۶۵، ۱۳۹۳ش.